

رهنمودهاي قرآن کریم در ایجاد تمدن نوین اسلامي

رهنمودهاي قرآن کریم در ایجاد تمدن نوین اسلامي

ساجده العبدالخاني [1]

سطح 4 فقه خانواده

جامعه المصطفى العالميه – مجتمع آموزش عالي بنت الهدى

چکیده

دين مبين اسلام به عنوان تنها ديني است که به تمام ابعاد زندگي انسان توجه ویژه اي نموده است. اسلام دين تمدن ساز است و نقطه آغاز شکوفايي علوم در تمدن اسلامي، [قرآن کریم](#) است. مسلمانان علوم خویش را از تحقيق و جستجو در معاني و مفاهيم آیات قرآن و سپس حديث آغاز کردند و لهذا نخستين شهري که جنب و جوش علمي در آن پيدا شد [مدینه](#) بود، و نخستين مراکز علمي مسلمين مساجد بود و نخستين موضوعات علمي آنان مسائل مربوط به قرآن و سنت، و نخستين معلم شخص [رسول اکرم](#) است. علم قرائت، تفسير، کلام، حديث، رجال، لغت، نحو، صرف، بلاغت و تاريخ و سيره که جزء نخستين علوم اسلامي است که همگي زاييده قرآن و سنت ميباشند. قرآن در بنیان گذاري سنگ بنا و فرهنگ و تمدن اسلامي نقش بسزايي داشته و از همان قرن نخست هجري، ابعاد تمدن سازي اسلام نمود عيني يافت. اين مقاله بر آن است که با روش توصيفي- تحليلي به رهنمودهاي قرآن کریم در ایجاد تمدن نوین اسلامي که شامل شکوفايي

علوم و دانشها، اختراعات، صنایع آثار هنری و بناهایی که در نتیجه تشویق‌ها و ترغیب‌های قرآنی و سنت، نصیب مسلمانان شده است، بپردازد.

کلیدواژه‌ها: تمدن، قرآن کریم، دین اسلام، رهنمودها، مسلمانان.

مقدمه

در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن‌ها عوامل و عناصر گوناگونی نقش دارند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به دین و جهان‌بینی دینی اشاره داشت. از این میان، تاثیر علوم اسلامی به طور کلی، و قرآن به طور خاص اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا قرآن و حدیث در نحوه و چگونگی شکل‌گیری علوم اسلامی عقلی، نقلی و تجربی دارای نقشی انکارناپذیر بودند که همان موجب شکل‌گیری تربیت و تمدن اسلامی و عصر طلایی اسلام گردید.

بذر اسلام در شبه جزیره صحرائی سوزان عربستان که به سان مرداب ساکتی بود جوانه زد. در شرایط سختی که مردم از زندگی جز کوچ نشینی و صحرا گردی، جهت یافتن چراگاهی برای احشام خود چیزی دیگری درک نمی‌کردند و اعتقادات و جهان‌بینی آنان مانند زندگی شان، ساده و بی‌روح شده بود و خدایان سنگی و طلایی و چوبی و انواع باورها و اعتقادات خرافی بر زندگی آنها سایه افکنده بود درخت عظیم اسلام به بار نشست و زندگی نه تنها اعراب عربستان بلکه هزاران کلیومتر آن طرف تر از نواحی اطراف را زیر و رو کرد و پس از اندک زمانی تمدنی عظیم از آنجا قد بر افراشت که یکی از دوره‌های افتخار آمیز تاریخ انسان به حساب می‌آید.

بدون شك روح این تربیت والا و تمدن عظیم از تعالیم اسلامی مایه می‌گیرد و در درجه اول، قرآن بود که تار و پود آن را تنید و زمینه را برای شکل‌گیری و شکوفایی آن مهیا کرد.

به عبارت دیگر، قرآن به عنوان کتاب رستگاری بخش، دارای چنان مجموعه‌ای منسجم از تعالیم فلسفی، حکمی، عرفانی، اخلاقی، عبادی، سیاسی و اجتماعی است که استفاده از آنها این امکان را به فیلسوفان اسلامی داد تا شکل جدیدی از تفکر عقلانی و فلسفی را ایجاد کنند که متفاوت از گذشته بود. بنابراین، هدف این تحقیق آشکارسازی تاثیر آموزه‌های قرآن در بُعد تربیت و تمدن‌سازی است که این مهم نه تنها در قرون گذشته محقق شده، بلکه این قابلیت وجود دارد تا مسلمانان عصر حاضر با بازگشت

به قرآن و بازاندیشی تفکر عقلانی خویش و شکل دادن یک جهان بینی عقلی و دینی منسجم و کارآمد، خود را از عقب مانده‌گی علمی و معنوی و تربیتی نجات دهند و به باز تولید تمدن نوین اسلامی اقدام کنند.

مفاهیم

1- تعریف واژه تمدن

این واژه از اصل عربی «مدینه» گرفته شده و به معنای اقامت در شهر و خو گرفتن به اخلاق مردم آن به کار رفته است. (التحقیق، ۱۱ : ۵۵، «مدن») در فارسی نیز به معنای شهرنشینی، اخلاق شهری پیدا کردن و انتقال از حالت خشونت، توحش و جهل به طرافت، انس و معرفت (گلستان قرآن (هفته نامه)، ۴ : ۶۱۰۹) و در مقابل بادیه نشینی و بربریت به کار رفته است. (گلستان قرآن (هفته نامه)، ۳ : ۳۸۳۶)

در زبان عربی حضاره و اهل الحضارة (شهر نشین) در مقابل اهل الوبارة به معنی بادیه نشین آمده است (نفیسی، ۱۳۵۵ش، ۵ : ۳۲۲۶).

واژه های المَدَنیة، الحضارة (حمید طبیبیان، فرهنگ فرزانه فارسی - عربی، ص ۲۷۳) و عربی در ترتیب به Civilization لاتین برای رساندن مفهوم تمدن به کار می‌روند.

از نگاه ابن خلدون (۸۰۸-۷۳۲ق)، تمدن حالت اجتماعی انسان است (عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ۱ : ۱۸۳ و ۴۱ - ۴۳) و فرایند آن در انتقال از بدایوت تحقق می‌یابد؛ اهل بادیه تنها به لوازم ضروری زندگی توجه می‌کنند؛ ولی شهرنشینان این مرحله را سپری کرده، به بهره های غیر ضروری و تجمل درشئون زندگی می‌پردازند، از این رو تمدن نهایت بادیه نشینی است و در پی آن پدید می‌آید. (ابن خلدون، ۱ : ۱۲۲ و ۳۶۸؛ تهانوی، ۱۹۹۶ م، ۳۰۷)

به طور خلاصه تمدن به مجموعه دستاوردهای مادی بشر میگویند و در دوران عناصر سازنده تمدن را این گونه بر می‌شمارد: کار، دین، اخلاق، علم، فلسفه، ادبیات، هنر و ... تمدن به هر شکل و صورتی که باشد متشکل از عناصری است مانند زندگی مادی، سازمان اجتماعی، زندگی معنوی و فکری و تکامل این عوامل فقط در اثر تحولات بشری است.

گرچه مفهوم **تمدن** به طور عام از دیرباز وجود داشته و **ابن خلدون** با کلید واژه های «العمران» و «الحضارة» بدان پرداخته است؛ (ابن خلدون، ۱: ۱۷۲، ۲۸۸-۲۹۰، ۳۷۱) ولی واژه **مفهوم اصطلاحی** تمدن به معنای امروزی از **قرن ۱۸** میلادی براساس دیدگاه انسان^۱ محور در **مغرب زمین** شکل گرفته و دانشمندان **علوم اجتماعی** تعریفهایی متفاوت از آن ارائه کرده اند؛ (ولایتی، ۱۳۸۲ ش، ۱: ۲۵-۲۷؛ التوحید (مجله)، ۱: ۱۴-۱۶) گروه زیادی آن را مترادف با فرهنگ یا شکلی پیشرفته تر از آن دانسته و برخی دیگر حوزه معنایی آن دو را از یکدیگر جدا کرده اند. (پژوهشهای علوم انسانی (فصلنامه)، ج ۱: ۹۵-۹۶؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۳ ش، ۹-۱۱) با وجود گوناگونی تعریفها و دشواری ارائه تعریفی واحد از مفهوم تمدن، وجود سازمان و نظم اجتماعی و پیشرفت مادی و معنوی انسان، نقطه مشترک بسیاری از دیدگاه های دانشمندان علوم اجتماعی اند.

مفهوم تمدن از نظر قرآن

با بررسی آیات قرآن، ویژگیهایی که در تعریف تمدن دخیل هستند، را می توان به شرح زیر فهرست کرد:

۱. تمدن، محصول سه گانه: خدا، انسان و پیامبر است، یعنی تمدن ها هیچ وقت فقط با صرف حضور عنصر انسانی شکل نمی گیرند. چه تمدن های پیامبران و چه ناپيامبران، در واقع در این تربیت و تمدن ها حضور خدا، پیامبر و یا ناپيامبر در آن ها مشهود است. (آیاتی مثل: «قل المشرق والمغرب» (بقره / ۲، ۱۱۵)، تأکید می کند که همه عالم مال خداست حتی اگر تمدنی هم شکل بگیرد یا وقتی می گوید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید / ۵۷، ۲۵) تأکید می کند که تمدن ها از طریق پیامبران و کتابی که با خودشان داشتند همواره شکل گرفته اند.) به دلیل جایگاه خدا، تمدن دارای آغاز و انجام است و حضور معاد نیز همواره در بحث از تمدن ها برجسته است. از نظر قرآن، در تمدن هایی که بر اساس اندیشه و کردار غیر پیامبران شکل گرفته نیز، خداوند حضور دارد چرا که تمامی قدرت و علم از آن خداست؛ البته به دلیل نگرش الحادی، فرمانروایانی چون فرعون، خود را در مقام خدا دیده و تمدن موجود را به خود نسبت داده اند. از زاویه دیگر، قرآن تأکید می کند که آغاز و انجام تمدن ها بر اساس فعالیت های خود انسان ها است. (ان ا لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) (رعد / ۱۳، ۱۱)، خود این انسان ها هستند که، آن قوم

یا آن جامعه هست که سرنوشت خودش را تغییر می‌دهد یا تثبیت می‌کند.)

2. یکی دیگر از بحث‌هایی که در قرآن در خصوص تمدن بیان شده، وجود سنت‌های الهی است؛ یک سری سنت‌هایی هست که اگر رعایت شود آن تمدن‌ها رو به اصلاح و نیک سرانجامی می‌رسند و اگر رعایت نشود، تمدن‌ها به زوال و فساد می‌انجامند. سنت‌هایی چون راستگویی، شکران نعمت، توسل به صبر، رعایت تقوا، طغیان یا عدم طغیان در برابر حق، تبعیت یا عدم تبعیت از ظلم و ظالمان، از این دسته‌اند. (آیاتي مثل: «قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین» (آل عمران / 3، 137)، که تصریح می‌کند که تکذیب، کذب یا دروغ حالا به هر مصداق و معنایی که باشد مخل تثبیت و تداوم تمدن است. یا در « و ضرب انا مثلا قریه کانت آمنه مطمئنه یا تیها رزقها رغدا من کل مکان فکفرت بانعم انا فاذاقها انا لباس الجوع والخوف بما کانوا یصنعون» (نحل / 16، 112)، که دارد مثال می‌زند که حالا بحث بر سر آن قریه یا روستا و شهر و اینها نیست بالاخره یک مجموعه‌ای از انسان‌ها که دارای رزق و روزی بودند بعد کفران ورزیدند و به خاطر این کفران بود که خداوند لباس گرسنگی و ترس را بر آنها پوشاند و رو به زوال نهادند یا در خصوص تمدن عاد: «الم تر کیف فعل ربک بعاد ارم ذات العماد» (فجر / 89، 6 و 7)، که در واقع تأکید می‌کند که نمودهای مادی تمدن هم در عین حال مثال می‌زند و یا نمود: «الذین جابوا الصخر بالواد» (فجر / 89، 9)، آنها که صخره‌ها را جابه‌جا می‌کردند و از کوه‌ها می‌آوردند به وادی‌ها و شهرنشینی را ایجاد می‌کردند یا فرعون «و فرعون ذی الاوتاد» (فجر / 89، 10)، دارای قدرت بود. اما همه این‌ها «الذین طغوا فی البلاد» (فجر / 89، 11)، یعنی طغیان کردند. «والی نمود اخاهم صالحا قال یا قوم اعبدوا انا ما لکم من اله غیره هو انشاکم من الارض واستعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه ان ربي قریب مجیب» (هود / 11، 61)، یا « فاما من طغي و آثر الحياه الدنيا» (نازعات / 79، 37 و 38)، در مجادله موسی با فرعون هست که «وقال موسی ربنا انک آتیت فرعون وملاه زینه واموالا فی الحياه الدنيا» (یونس / 10، 88)، که موسی در واقع با خدا مناجات می‌کند که خدایا شما به فرعون زینت و اموال دادی در حیات دنیا «یصلوا عن سبیلک» تا بندگان را از راه گمراه بکند. که بعد موسی دعا می‌کند «ربنا اطمس علی اموالهم» مال آنها را از بین ببر، «واشدد علی قلوبهم» قلب‌ها ایشان را سخت و سنگ بگردان، « فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم» (یونس / 10، 88)، یا مثلاً خصوص تمدن فرعون می‌گوید «فاتبعوا امر فرعون و ما امر فرعون برشید» (هود / 11، 97) (اینها چون از اوامر فرعون تبعیت کردند به رشد و نهایت کار نرسیدند. یا « قال موسی لقومه استعینوا بانا واصبروا ان الارض یورثها من یشاء من عباده والعاقبه للمتقین» (اعراف / 7، 128)، که باز اشاره میکند به تمدن یا عاقبت تمدن بشری که عاقبت زمین برای انسان‌ها متقی هست.

3. یکی دیگر از مباحثی که در آیات قرآن آمده است در خصوص تمدن‌های در زمین هست، سرنوشت‌های

تمدن بشر است؛ این که در نهایت، حسب اراده خدا، مالکیت زمین از آن بندگان صالح خدا است. (ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون) (انبیاء/ 21، 195) (کهف/ 18، 24)،

رهنمودهای تعالیم قرآن در تمدن اسلامی

قرآن افزون بر نظام ویژه‌ای که برای تمدن اسلامی ارائه می‌کند به گونه‌های ملموس در جنبه‌های مختلف دوره‌های تمدن و زندگی اجتماعی مسلمانان اثرگذار بوده است. البته بیان این نکته لازم است که میان جامعه مطلوب قرآنی با جامعه تاریخی اسلامی همواره تفاوت‌هایی بوده و همه اصول بیان شده در کلام وحی در جوامع مسلمانان به اجرا درنیامده است. (نصر، 1385 ش، 164)

1. زندگی عمومی

مسلمانان به قرآن بسیار احترام می‌گذارند. آنان بدون وضو به خط آن دست نمی‌زنند و معمولاً برای تلاوت وضو می‌گیرند. آیات قرآن به فرهنگ عمومی مردم رسوخ کرده است. به کار بردن عبارات قرآنی مانند «بسم اللّٰه الرحمن الرحيم» (نمل/ 27، 30، «الحمد لله» (حمد 1/ 1)، «إن شاء الله» (کهف/ 18، 24)، «سلام علیکم» (زمر/ 39، 73) در گفتگوها از سوی مسلمانان گواه این مدعاست. (نصر، 1385 ش، 41-42)

تعیین ملاک تقوا برای برتری انسان‌ها سبب شده تا گروه‌های مختلف نژادی در سراسر عالم به اسلام گرایش داشته باشند. برخلاف تفاوت‌های فرهنگی و عقیدتی، قرآن همواره عامل وحدت و اشتراک همه مسلمانان بوده است (نصر، 1385 ش، 72)؛ برای نمونه آنان در سراسر جهان قرآن را به زبان عربی می‌خوانند. (نصر، 1385 ش، 105) در بسیاری از مناطق در مجالس یادبود درگذشتگان، مهمانان نسخه‌های چاپ شده قرآن را قرائت می‌کنند؛ همچنین کشورهای اسلامی مسابقات قرآن برگزار کرده و بدین گونه به نگهداری و ترویج روش‌های ویژه خود در فن قرائت می‌پردازند. در نگاهی دیگر با پیشرفت و دگرگونی رسانه‌ها حضور قرآن در جامعه شکل جدیدی به خود می‌گیرد. در بسیاری از کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی، مصر و مراکش قرائت قرآن به طور دائم از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی پخش

مدیده شود. در برخی کشورها این کار در بخش‌هایی از روز انجام می‌گیرد. (Qurnpediaofthe Encyclo, Social Sciencesand the Qurn) این بر افزون و اینترنت مانند جدید امکانات و رسانه‌ها، این بر افزون فشرده به راحتی بسیاری از برنامه‌های قرآنی شامل قرائت، حفظ و تفسیر را در اختیار علاقمندان قرار می‌دهند.

2. آموزش

جاذبه قرآن به اندازه‌ای بود که از همان روزهای نخست همه را به خود مشتاق کرد. افزون بر این، ترغیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فراگیری و تعلیم قرآن (البخاری، 1407، ق، 4، 1919) این اشتیاق را دوجندان کرد. مردم برای شنیدن آیات وحی خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله (السجستانی، 3: 76؛ ابن اسحاق، 4: 186 و 214) یا صحابه ایشان می‌رساندند و در صورتی که به آن‌ها دسترسی نداشتند از رهگذران و کاروانیان می‌شنیدند. (معرفت، 1375، ش، 239) تازه مسلمانان برای فراگیری احکام شرعی و خواندن نماز می‌بایست قرآن بیاموزند. به مرور زمان که شمار نومسلمان افزایش یافت افراد ویژه‌ای مأمور تعلیم قرآن شده (البخاری، 1407، ق، 3: 1372 و 1385؛ همان، 4: 912) و در مواردی به دستور پیامبر به مناطق دیگر سفر می‌کردند. (معرفت، 1375، ش، 242-243) قاریان قرآن در مسجد می‌نشستند و آیات را برای یکدیگر خوانده، به تصحیح قرائت یکدیگر می‌پرداختند. (ابن عبدالحکم، 272) در مواردی هم آموزش بخش‌هایی از قرآن مهریه همسران قرار می‌گرفت. (البخاری، 1407، ق، 2: 811؛ السجستانی، 2: 236؛ معرفت، 1375، ش، 238) در دوره‌های بعدی نیز قرآن غالباً محور آموزش مسلمانان بوده است؛ برای نمونه در دولت عثمانی شمار مکتب خانه‌ها که بیشتر در کنار مسجد قرار داشتند متعدد بود و شاگردان در آن قرائت درست قرآن را به عنوان نخستین درس فرا می‌گرفتند (ولایتی، 1382، ش، 3: 267؛ ابن خلدون، 537)؛ همچنین در برخی کشورها مدارس حفظ قرآن، اصول حفظ و تفسیر را به قرآن‌آموزان می‌آموختند. (Qurn, Social Sciencesand the Qurn، «الالباب اولوا» مانند کلیدواژه‌هایی با فراوانی آیات (عمران/ 3، 190)، «علم» (زمر/ 39، 9)، عقل (بقره/ 2، 164) و «برهان» (نمل/ 27، 64) انسان را به تفکر و علم‌اندوزی تشویق کرده‌اند. برخی از آیات به مشاهده آسمان و زمین و پدیده‌های آن دعوت می‌کنند (ق/ 50، 6) و بعضی دیگر از او می‌خواهند به گردش در زمین و بررسی آثار تاریخی بپردازد (روم/ 30، 42)، از این‌رو کسب دانش به ویژه نجوم، ریاضیات و تاریخ میان مسلمانان اهمیت ویژه‌ای یافت. نهضت ترجمه نیز که از میانه قرن دوم شروع شد و به مدت دو سده ادامه داشت پیامد ترغیب قرآن

افزون بر این، به مرور زمان دانش‌های لغت، نحو، معانی و بیان، کلام متأثر از قرآن و تفسیر و قرائت و تجوید و دیگر علوم قرآنی در ارتباط با آن پدید آمدند. با آمیختن عرب و عجم و از بین رفتن خلوص زبان عربی، بسیاری از واژه‌ها دستخوش دگرگونی معنایی شدند، به گونه‌ای که فهم قرآن نیز دچار مشکل شد. در نخستین گام خلیل بن احمد فراهیدی (م. 175 ق.) برای حفظ واژه‌های عربی، کتاب العین را نوشت. (ابن خلدون، 548) اعراب نیز همداستان با لغت مورد توجه دانشمندان مسلمان قرار گرفت و ابوالاسود دوئلی (م. 69 ق.) نخستین قواعد آن را پایه‌ریزی کرد. سپس سیبویه (م. 180 ق.) نخستین کتاب مبسوط نحوی را با عنوان الکتاب تألیف کرد. (همان، ص 546) مسلمانان با هدف فهم اعجاز ادبی قرآن قواعد علم معانی و بیان را نیز تدوین کردند. (قربانی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص 77) تفاوت برداشت‌ها از آیات اعتقادی (همان، ص 532) و اختلاف بر سر قدیم یا حادث بودن قرآن (تهانوی، 1996 م، 2: 1306-1308) سبب پیدایش تدریجی دانش کلام گردید.

با گسترش اسلام در میان ملت‌های غیر عرب، آنان برای فهم قرآن نیاز به ترجمه داشتند. گرچه جریان ترجمه مخالفانی نیز داشت (المراغی، 1401 ق، 13-23؛ یاسر ایازی، اهتمام‌ایرانیان به قرآن، ص 40-41)؛ ولی نیاز یاد شده سبب گردید تا از همان ابتدا کسانی به ترجمه قرآن بپردازند. گفته‌اند که سلمان فارسی نخستین مترجم قرآن بود که «بسمله» را به زبان فارسی برگرداند. (الزرقانی، 1416 ق، 2: 114-115؛ معرفت، 1375 ش، 653؛ سلماسی زاده، 1369 ش، 89) امروزه قرآن به زبان‌های گوناگون دنیا ترجمه شده است، (سلماسی زاده، 1369 ش، 90) گرچه در مواردی خالی از غرض‌پورزی مترجمان و قصد تبلیغ بر ضد اسلام نبوده است. (معرفت، 1375 ش، 653-657)

در دوره نخست مردم به سبب آگاهی از شأن نزول آیات و عرب زبان بودن، در فهم قرآن کمتر با مشکل برآمد خوردند؛ ولی با فاصله گرفتن از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسلام آوردن غیر عرب‌ها، مسلمانان بیش از پیش به تفسیر آیات نیاز پیدا کردند. تأسیس دانش تفسیر (قربانی، 77) و دیگر علوم مرتبط با قرآن، پیامد تغییر یاد شده در زندگی مسلمانان به شمار می‌رود؛ برای نمونه دانش قرائت از شکل‌گیری قرائت‌ها از زمان نزول تا مرحله قرائات شاذ و نادر، اقسام قرائت‌ها از جهت مطابقت با قواعد عربی و رسم و سند آن، ریشه اختلاف‌ها و مانند آن‌ها بحث می‌کند. (خرمشاهی، 1377 ش، 1472) در بخش‌هایی از جهان اسلام نیز مکتب‌هایی خاص در این رابطه پدید آمدند و برای مثال تا پایان قرن چهارم قمری مردم اندلس به پیروی از مصر و افریقایه به قرائت «نافع» به روایت «ورش» قرآن می‌خواندند. (بجنوردی، 1372 ش، 10: «اندلس-تاریخ»)

علم تجوید نیز دو مرحله دارد: در بخش نظری از قواعد درست خواندن حروف و کلمات قرآن و دیگر مباحث آواشناسی گفت و گو می‌شود.

در مرحله عملی هم قواعد را براساس استماع و اداء به افراد می‌آموزند. (حداد عادل و دیگران، 1378 ش، 6 : 601-602) با گذشت زمان و رونق دانش تفسیر، مفسران با رویکردهای گوناگون به تفسیر قرآن پرداختند. تفاسیر ادبی، کلامی، عرفانی، فقهی و ... نمونه‌هایی از این دست به شمار می‌روند.

در سده اخیر بسیاری از مفسران با پرداختن به جنبه‌های اجتماعی قرآن کوشیده‌اند تا مفاهیم آن را بیش از پیش وارد زندگی مسلمانان کرده و از آن برای حل مشکلات و عقب ماندگی‌های سده‌های اخیر جهان اسلام استفاده کنند. سید قطب (م. 1386 ق.)، آیت الله طالقانی (م. 1399 ق.)، علامه فضل‌الله و بسیاری دیگر از مفسران از این جمله‌اند.

3. شعر و ادبیات

قرآن تأثیر فراوانی بر ادبیات و شعر مسلمانان داشته است. از همان نخست شاعران تازه مسلمان عرب مانند حسان بن ثابت، کعب بن مالک و عبداً بن رواحه با بهره‌گیری از مضامین وحی شعر می‌گفتند (العسکری، 1: 81؛ راغب اصفهانی، 1420 ق.، 2: 454) در سده‌های بعدی نیز کلام خدا الهام بخش شاعران مسلمان غیر عرب بوده است.

در فارسی رودکی (ولایتی، 1382 ش، 1: 310-311)، فردوسی، سعدی (همان، ص 313)، مولوی (مثنوی معنوی، دفتر اول، ص 4) و در ترکی ادیب احمد یوکنکی (م. قرن 6 ق.) و خواجه احمد یسوی (م. 562 ق.) (ولایتی، 1382 ش، 1: 325-326) از این جمله‌اند.

افزون بر این ترجمه تفسیر جامع‌البیان طبری و نیز نگارش تفاسیری به نثر شیوای فارسی مانند روض الجنان ابوالفتوح رازی (م 554 ق.) و کشف‌الاسرار رشیدالدین میبدی (م. 520 ق.) نمونه‌هایی از حضور قرآن در ادبیات دوره‌های اسلام‌اند. گذشته از این، شاهکارهای ادب فارسی همچون گلستان سعدی و منشآت قائم مقام فراهانی از قرآن فراوان بهره برده‌اند. (ولایتی، 1382 ش، 1: 322، 324)

قرآن در شکل‌دهی و الهام بخشی به هنرهای که در بستر تمدن اسلامی رشد کرده‌اند تأثیر فراوان داشته است؛ از يك سو آیات همواره به هنرهای اسلامی زینت بخشیده‌اند. هنر خطاطی دنباله قرآن نویسی در صدر اسلام بوده و در بستر نگارش آن رشد کرده است. در دوره نخست، خط عربی ساده و ابتدایی بود و نویسندگان، قرآن را با نوشتن‌افزارهای ابتدایی (معرفت، 1375 ش، 213-217) و خطی نازیبیا و دارای غلط‌من‌نوشتند (ابن خلدون، 419)؛ ولی با گسترش اسلام و بهبود نوشتن‌افزار، پیشرفت خط، سیر تکاملی خود را پیمود و قرآن نقطه و اعراب‌گذاری شد. با گذشت زمان قرآن را به «جزء»، «حزب» و ... تقسیم کردند و در نسخه‌های آن مکی و مدنی و شماره آیات را من‌نوشتند. پس از این مرحله هنرمندان به تزیین و تذهیب در نگارش قرآن دست یازیدند، به گونه‌ای که عامه مردم آن را از لوازم جداید‌ناپذیر نگارش پنداشتند. از اوایل قرن پنجم قمری هم خط زیبای نسخ جای کوفی را گرفت. (معرفت، 1375 ش، 478-484؛ معرفت، 1411 ق، 1: 404)

گنجینه‌های نفیسی از نسخه‌های خطی در مناطق مختلف اسلامی وجود دارد که به زیبایی قرآن را نگارش کرده‌اند. (معرفت، 1375 ش، 493 به بعد) نوشتن آیات قرآن با خط خوش به اندازه‌ای اهمیت داشته که برای نمونه حاکم سلسله گورکانی هند، ظهیرالدین بابر، خود قرآن را با خط زیبا نوشت و به کعبه هدیه کرد. (علی اصغر حکمت، سرزمین هند، ص 125) افزون بر این کاشد‌های رنگین ایرانی به شکل اسلیمی و با گل و بوته و آیاتی از قرآن تزیین شده و در مساجد و کاخ‌های پادشاهان به کار من‌برفته‌اند. (هورست ولدمارجنس، تاریخ هنر، 1359 ش، 206؛ ولایتی، 1382 ش، 3: 148) سفارش قرآن به آباد کردن مسجد (توبه/ 9، 18)، مشوق هنرمندان مسلمان برای خلق جلوه‌های هنری زیبا در مساجد بوده است. با پیدایش صنعت چاپ، قرآن‌هایی ابتدا در برخی کشورهای اروپایی و پس از آن در کشورهای اسلامی به چاپ رسید. نخستین چاپ اسلامی قرآن از سوی مولا عثمان در پترزبورگ روسیه در سال 1200 هجری/ 1787 میلادی انجام گرفت. امروزه در سراسر جهان اسلام چاپ و نشر قرآن با اشکال متنوع و زیبا صورت من‌گیرد. (معرفت، 1411 ق، 1: 405 و 406)

خواندن قرآن با غنا ممنوع است (نجفی، 1404 ق، 22: 47)؛ ولی مسلمانان با اثرپذیری از کلام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌مبنی‌همین‌همین بر خواندن قرآن با صدای خوش (کلینی، 1375 ش، 2: 614-616؛ بخاری، 1407 ق، 6: 2743؛ السجستانی، 2: 74)، فن نغمه‌شناسی یا صوت و لحن را ابداع کردند

که از زیرمجموعه‌های تجوید است. متخصصان این هنر در سراسر جهان اسلام با توجه به معانی و موضوعات قرآن، الحان و نغمات متناسب با آن را به کار برده، حالت‌های متفاوتی مانند اندوه و سرور را در شنوندگان پدید می‌آورند. (القبانی، 1991 م، 111)

از سوی دیگر هنر اسلامی در ذات خود از آموزه‌های وحی الهام گرفته است. حضور فراوان «خلاً تصویر و نگارگری» در هنر اسلامی که به شکل ویژه در هنرهای تجسمی نمود بیشتری دارد ثمره مبانی متافیزیکی توحید و شعار «لا إله إلا الله» (آل عمران/ 3، 2) است که پیام ناپایداری غیر خدا و وجود خدا در فراسوی همه واقعیت‌ها را القا می‌کند، از این‌رو جنبه‌های از نیستی و خلاً در ذات هر موجودی ثابت می‌شود.

در آثار هنری، وجود خلاً و غیبت جسمانیت از یک‌سو و جنبه‌های مثبت فرم، رنگ و ماده از سوی دیگر بر وجه انعکاسی اشیا و نیز نشان‌های واقعیت برتر جهان تطبیق می‌کنند. سبک اسلیمی با بسط و تکرار فرم‌ها با خلاً ارتباط برقرار کرده و چشم و ذهن را از سکون و ماندن در بند موضوعات جسمانی می‌رهاند و به تعبیری با گریز از تشبیه به جسد، وحدت الوهی را القا می‌کند. این روش با خودداری از شمایله‌نگاری، حس حضور فرا زمانی و بد مکان بودن خدا را در بیننده ایجاد می‌کند؛ همان چیزی که آموزه وحی بر آن تأکید می‌کند که به هر سو رو کنید آنجا وجه خداست: «فَآيُنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ» و «جَهُّ اللّٰه» (بقره/ 2، 115) معماری سنتی اسلامی با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، کوچه‌ها، باغ‌ها، بازارها و مسجدهایی بنا کرده است که بدون حضور مادیت، امکان تجربه معنوی حضور الهی را برای بیننده فراهم می‌کند. (نصر، 4)

نتیجه

ارمغان جاودانه اسلام برای بشریت فرهنگ و تمدن عظیم و تربیت جامعی بود که بشریت را برای همیشه وامدار خود نمود. در رسیدن به این تمدن، قرآن کریم مرکز ادبیات مدون عرب و نقطه اساسی علم و علم آموزی بود.

قران جایگاه خاص و ویژه ای نزد مسلمانان داشته و کتاب ارزشمند آنهاست بطور قطع تمدن اسلامی برگرفته از تعالیم نورانی قرآن بلکه زیربنای تمدن اسلامی، قرآن کریم میباشد.

قرآن؛ در ارزشها ، آداب و سنن اخلاقي و اجتماعي و پایه هاي اعتقادي ملت هاي که بدان گرائیده بود تحول و دگرگوني عميق همه جانبه و فراگیر ایجاد کرد و دید آنها را نسبت به زندگي ، حکومت و جهان تغییر داد . با استفاده از این ویژگی بود که مسلمانان توانستند در همان قرن نخست هجري و پیش از انتقال علوم دیگران ، تربیت اسلامي یابند و خود صاحب فرهنگي اصیل ، وسیع و عميق باشند .

منابع

1. قرآن.
2. ابن اسحاق (م. 151 ق.)، السير و المغازی، به کوشش محمد حمید اللّاه، معهد الدراسات والابحاث.
3. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمة ابن خلدون، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
4. بجنوردی، کاظم، 1372 ش، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ.
5. بخاری (م. 256 ق.)، 1407 ق، صحیح البخاری، به کوشش مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، الیمامة.
6. تهانوی، محمد علی، 1996 م، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، بیروت، مكتبة لبنان ناشرون.
7. حجتی، محمد باقر، 1376 ش، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، فرهنگ اسلامی.
8. حداد عادل، غلامعلی، و دیگران، 1378 ش، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
9. حکمت، علی اصغر، 1377 ش، سرزمین هند، تهران، دانشگاه تهران.
10. خرمشاهی، بهاءالدین، 1377 ش، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان.
11. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، 1420 ق، محاضرات الادباء، به کوشش عمر الطباع، بیروت، دارالقلم.

12. الزرقانی، محمد عبدالعظیم ، 1416 ق، مناهل العرفان ، لبنان، دارالفکر.
13. ساروخانی، باقر ، 1370 ش، درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
14. السجستانی (م. 275 ق.)، بی تا ، سنن ابی داود، به کوشش محمد محی الدین، دارالفکر.
15. سلماسی زاده ، جواد ، 1369 ش، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، تهران، امیرکبیر.
16. شکوهی، غلام حسین، 1382 ش ، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد ، آستان قدس رضوی.
17. کلینی، محمد بن یعقوب ، 1375 ش، الکافی ، به کوشش غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
18. عبدالرحمن بن عبدالحکم (م. 257 ق.)، فتوح مصر و اخبارها، بغداد ، مکتبه مثنی.
19. عربی القبانی، محمد ، 1991 م ، کفایة المستفید، دمشق، دارالخیر
20. العسکری، حسن بن عبداللّٰه ، بی تا ، دیوان المعانی، بیروت، دارالجليل.
21. قربانی، زین العابدین ، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
22. محمدی ری شهری، محمد ، 1383 ، گفتگوی تمدن ها، قم ، دارالحدیث، سازمان جاپ و نشر.
23. المرآغی، محمد مصطفی، 1401 ق ، بحث فی ترجمة القرآن الکریم، بیروت، دارالکتاب الجدید.
24. معرفت، محمد هادی ، 1375 ش، تاریخ قرآن، تهران، سمت.
25. معرفت، محمد هادی ، 1411 ق، التمهید فی علوم القرآن، قم، نشر اسلامی.
26. مطهری، مرتضی ، 1375 ش ، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران ، انتشارات صدرا.

27. نجفی، محمد حسن ، 1404 ق، جواهرالکلام، به کوشش قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
28. نفیسی، علی اکبر ، 1355ش ، فرهنگ نفیسی، تهران، خیام.
29. نصر، حسین ، 1385 ش ، قلب اسلام، ترجمه: خرازی، تهران، نشر نی.
30. ولایتی، علی اکبر ، 1382 ش، بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهش.
31. ولدمارجنس، هورست ، 1359 ش، تاریخ هنر، ترجمه: مرزبان، تهران، علمی فرهنگی.

فهرست مجلات

32. پژوهشهای علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم.
33. خردنامه همشهری (ماهنامه) حسین نصر .
34. الفكر الاسلامی (مجله)، مجمع الفكر الاسلامی.
35. گلستان قرآن (هفتهنامه)، تهران، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی.
36. مطالعات تاریخی (فصلنامه)، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی .

فهرست لاتین

37. Oxford Advanced Learners Dictionary. Encyclopaedia of the Qur'an, Social Sciences and the Qur'an Vol 5, pp, 76.
38. Encyclopaedia of the Qur'an, Social Science and the Qur'an Vol 5, pp 86.

Sajida.2013@yahoo.com .[1]

پڑوہشگرواستاد ہمکار جامعہ المصطفی العالمیہ مجتمع آموزش عالی بنت الہدی - مقطع سطح 4 - فقہ خانوادہ - تلفن
ہمراہ : 09127474362 و 09379293307